

یار اول امام اهل تقوی	صدق اوروشنیرتین
زودنویانت ریشہ ایمان	زادین عیال کشت میوه ایمان
صبح شد رسول بدم شد	باغ اسلام بسین و خرم شد
بای آیه جویج لعد نور	سبح شد شرح کاذب در
فشد ز بار بنده گشته حشر	کار او سجده چون خاتم
و اصل حق زما هو کالجور	بغشا تو ام زما است دور
موسیر نمک بر بنمیر	روز غم بود با بنمیر
در این جای مار با کف پا	ساخت محکم چون پیما
ز بسد ما گند از دم مار	بر تن پاک بسید مختار
پس سراج را رسول الله	گفت صدقت یا رسول الله
او است در بنی است جوز خاک	باید قدر او است تا افلاک
بود خیر از عره اصحاب	دانند بسجده او در تاب
صفتش را چه کز تقریر	خامد عاجز بود از بر کسیر
در وصف حضرت علی بن ابی طالب	
یار دوم امام درین برور	صاحب عدل خود لیسیر

جو دوا آب داده ز نور	عدل آن کسیر کرده عالم را
هفت کشور از و شده همور	عشم عالم بدنه بسور
او بدیزدی غیرت شد در	علم دین هر چه است او است
نقد دین میده شد از این	کوش عالم شنید موت از این
بود از شاخ عدل چون شتر	گند از بنز زما ل فز شد شتر
لطف او کرده باغ دین زینا	نور او کفر را دور این
سبح ایمان ز نور او در	دشت عرفان ز رنگ او در
در چرخ سخاوت است کرم	بعد انت بعالم است علم
بچه خورشید ز آسمان باید	لغنه نور در جهان باید
از دویج آن سراج آقا در	عالم خفته بود شد پیدار
از نسیب امیر مردان کن	سپهر کهار شد بحیب کفر
کشک کفر زد نموده امان	خیل او باه جوهر کسیر زان
کرد بودی بگردن کفار	بسجده کرد بر عقده زان
شکلک اسباب است اسلام	بر کعبه شمشیر ز بند نظام
بود اندر کسیر و با کسیر	در غایتش کسیرت شیخ طهر

جو دوا